



• درآمد

علامه شیخ حسان سويدان از علمای آگاه و برجسته لبنانی حوزه علمیه قم و از صاحب نظران نامدار در مسایل سیاسی، علمی و فرهنگی لبنان می باشد. با توجه به این که ایشان سال های طولانی در جنوب لبنان حضور داشته است، از تاریخچه و مراحل شکل گیری مبارزات شیعیان جنوب لبنان بر ضد استعمار و استبداد و فتوالمسم و در سه دهه اخیر بر ضد اشغالگران صهیونیست به رهبری مجاهدانی همچون شهید شیخ راغب حرب شناخت کامل دارد. شاهد باران به منظور آگاهی خوانندگان از اوضاع گذشته جنوب لبنان و نقش شیخ شهید در شکل گیری مقاومت با ایشان گفت و گوی اختصاصی انجام داده که با هم می خوانیم:

■ مهم ترین امتیاز شیخ راغب حرب در گفت و گوی اختصاصی شاهد باران با علامه شیخ حسان سويدان

## شیخ شهید بانثار خون خود درخت تنومند مقاومت را آبیاری کرد...

در جامعه شیعه تعدادی جوانان تحصیل کرده مانند پزشک و مهندس وجود داشتند. اما این تحصیل کرده ها از فرزندان خانواده های فتودال و یا خانواده های ثروتمند شیعی بودند. فتودال ها در هر منطقه و روستا نمایانگانی داشتند که زعامت آن ها را میان مردم تحکیم می بخشیدند.

فضای عمومی حاکم بر شیعیان لبنان در نیمه قرن بیستم این گونه بوده است. هیچ امکاناتی در اختیار نداشتند. این ضرب المثل میان شیعیان لبنان رایج است که برخی از اهالی جنوب در زمان حیات احمد الاسعد به او گفتند می خواهند فرزندان شان را آموزش دهند، مدارس و مراکز آموزشی در مناطق شان وجود ندارد. احمد الاسعد در پاسخ به آن ها گفت لزومی نکرده فرزندان تسان را آموزش دهید، فرزند خویش، کامل الاسعد را به نمایندگی از فرزندان تان آموزش می دهم. این نشان می دهد که رهبران اجتماعی و خان های فتودال طایفه شیعی از آموزش و آگاهی فرزندان طایفه شان ترس داشتند. از این نگران بودند که با آگاهی و روشنفکری جوانان شیعه منافع این فتودال ها به خطر بیفتد چرا که فرزندان طایفه شیعه، انسان های باهوش و با استعداد هستند و اگر به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی راه یابند و فارغ التحصیل شوند بی تردید زمام امور جامعه شان را به دست می گیرند. بر این اساس دشمنان و دوستان فرصت طلب، دست به دست هم دادند و طایفه شیعه لبنان را در عقب ماندگی نگه داشتند. این نابسامانی ادامه داشت تا این که امام آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین و برخی علمای متعهد در جامعه لبنان ظهور کردند و با عقب ماندگی و بی سوادی به ستیزه جویی برخاستند. تلاش های روشنگرانه و آگاهی بخش علما و اندیشمندان شیعی چندان موفق نبوده است، زیرا استعمارگران

این زعامت را بر عهده گرفت. کامل الاسعد تا زمان آمدن امام موسی صدر به لبنان ریاست پارلمان را بر عهده داشت. متأسفانه این خان های فتودال، از نظر دینی، به احکام و موازین شرعی پایبند نبوده و در راستای دفاع از منافع جامعه شیعه گام بر نمی داشتند. این خان ها فقط به فکر منافع شخصی و موقعیت های کلیدی خود بودند. این افراد به منظور حفظ

**هنگامی که فرمانده نظامیان صهیونیست مستقر در جنوب لبنان به دیدار شیخ راغب حرب آمد و ابراز علاقه کرد به او دست بدهد، شیخ الشهید این تقاضا را رد کرده و به فرمانده اسرائیلی ها گفت دست دادن با شما به معنی به رسمیت شناختن رژیم شماست**

منافع خود و بر خلاف منافع جامعه شیعیان با سران سایر طوایف مذهبی لبنان زد و بند می کردند. به تعبیری منافع جامعه شیعه را وجه معامله منافع شخصی خودشان قرار می دادند. در نیمه دوم قرن بیستم نهایت آرزوی شهروندان جنوب لبنان این بود که این فتودال ها، یک جاده روستایی احداث کنند. نهایت آرزوی شهروند شیعه لبنانی این بود که در مشاغل دولتی استخدام شود. اگر هم شده، به عنوان کارگر ساده و یا کارگر شهرداری و یا پستی استخدام شوند.

اوضاع شیعیان لبنان پیش از استقلال این کشور از سلطه استعمار فرانسه و پیش از آمدن امام موسی صدر به لبنان چگونه بوده است؟

بسم الله الرحمن الرحيم. شیعیان لبنان پیش از استقلال این کشور از حقوق مدنی محروم بودند. اگر خواسته باشیم با صراحت و شفافیت اوضاع گذشته شیعیان را بازنگری کنیم، به طور تأکید باید گفت که قشر تحصیل کرده در جامعه شیعیان لبنان وجود نداشته است. افراد تحصیل کرده معدودی به تعداد انگشتان دست وجود داشتند. چه کسانی آموزش می دیدند و در مدارس خصوصی تحصیل می کردند؟ فرزندان تعدادی از فتودال ها بودند که زمام امور شیعیان را در دست داشتند. میان این فتودال ها نیز کشمکش و خصومت وجود داشت. در لبنان سه تا چهار خانواده فتودال زعامت شیعیان را بر عهده داشتند. در منطقه بعلبک در شرق لبنان خانی به نام «حماده» زعامت اجتماعی شیعیان این منطقه را بر عهده داشت. (منظورم از کلمه زعامت، زعامت دینی نیست). یکی از فرزندان این خانواده به نام صبری حماده در مراحل گذشته به ریاست پارلمان لبنان انتخاب شد.

در منطقه جنوب نیز سه خان فتودال وجود داشتند، که بزرگترین آن ها خانواده «الاسعد» بود که کامل الاسعد بزرگ این خاندان نیز مدتی به ریاست پارلمان لبنان انتخاب شد. خانواده های «الخلیل» و «عسیران» نیز همواره با خانواده الاسعد در حال رقابت و کشمکش بودند. خانواده الاسعد اولین و بزرگترین فتودال شیعه لبنان بود. زعامت این خانواده ده ها سال ادامه داشت. مدتی احمد الاسعد زعامت اجتماعی شیعیان جنوب لبنان را بر عهده داشت، و پس از مرگ او، برادرزاده اش کامل الاسعد رئیس پیشین پارلمان لبنان

### شیخ محمد مهدی شمس الدین و علامه سید محمد حسین فضل الله حضور داشتند این آقایان چه تلاشی برای دگرگونی جامعه شیعیان لبنان به عمل آوردند؟

در حقیقت نقش آقایان یاد شده در بهبود کیفی اوضاع شیعه و بالا بردن آگاهی این طایفه انکار ناپذیر است. این افراد در زمانی که امام صدر در لبنان حضور داشت، به این کشور بازگشتند. شخصیت کاریزماي امام صدر بر شخصیت علمی و تلاش های اجتماعی این آقایان سرپوش گذاشته بود. آقای شمس الدین در رکاب امام موسی صدر حرکت می کرد. فعالیت های اجتماعی برخی علما همچون علامه سید محمد حسین فضل الله نیز انکار پذیر نمی باشد. اما این فعالیت ها در سطح فعالیت ها و تلاش های امام موسی صدر نبود. مرحوم شهید مغنیه و سایر علمای آن دوره، مردم را از نظر علمی و فرهنگی ارشاد و راهنمایی می کردند. فعالیت های آنان ابعاد اجتماعی و سیاسی نداشت. کتاب های فرهنگی که آقای مغنیه به زبان ساده منتشر کرد، تا حدودی برای جوانان لبنانی و جهان اسلام سوپاپ اطمینان بود. در زمینه فعالیت های اجتماعی می توانم تاکید کنم که امام موسی صدر در این زمینه حرف اول را می زد. هر کدام از علما و اندیشمندان لبنانی با شیوه خاصی عمل کردند. به طور مثال علامه سید محسن الامین عاملی به سوریه هجرت کرد و تخم تشیع را در میان مردم این کشور کاشت. پیش از آمدن امام موسی صدر به لبنان، امام سید عبد الحسین شرف الدین حضور داشت و مسئولیت رهبری جامعه شیعیان لبنان را بر عهده داشت. آقایانی که به آن ها اشاره کردید در زمان حضور امام صدر در جامعه لبنان حضور داشته که تعدادی از آن ها در رکاب امام صدر حرکت کرده و برخی دیگر مستقل عمل می کردند. بفرمایید شیخ راغب حرب از چه صحنی بود و چگونه عمل می کرد؟

رفتار و عملکرد شیخ راغب حرب تا حدود بسیار وسیعی به رفتار و عملکرد شهید سید عباس موسوی شباهت داشت. او در خانواده های متدین، در یک روستای مذهبی تولد یافت. شیخ راغب جوانی فروتن و فداکار و به مردم خدمت می کرد. به ایتم و خانواده های بی سرپرست کمک می کرد. او رنج می کشید و خود را گرسنه نگه می داشت، تا مردم گرسنه و بدون سرپناه نخوانند. این ویژگی های استثنایی و بی نظیر شهید شیخ راغب حرب می باشد. شهادت زود هنگام، به او اجازه فراگیری ادامه علوم دینی را نداد. اما شکی نیست سیمای اخلاقی و نوع دوستی و ایثارگری او بسیار آشکار بود. به مردم به ویژه به مستمندان عشق می ورزید. ظلم ستیز بود، در مقابل اشغالگری به شدت مقاومت کرد. همانگونه که همه شاهد هستند بدون داشتن امکانات مالی، با همکاری برخی جوانان متدین، آسایشگاه افراد بی سرپرست حضرت زینب (س) را در زادگاه خود در روستای حبشیت احداث و آن را اداره می کرد. هر چند که این دارالایتم از نظر قانونی

از مدتی از عقاید شیعی شان دست برمی داشتند و طرفدار احزاب یاد شده و به لبنان بازمی گشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی درهای آموزش عقاید اسلامی در برابر جوانان تشنه و شیفته شیعه گشوده شد. در این شرایط دو دریچه در برابر شیعیان لبنان گشوده شد. شیعیان لبنان که از امکانات مالی فراوان برای اعزام فرزندان خود به دانشگاه های غربی را نداشتند، فرزندان خود را برای آموزش و تحصیل علوم دینی و کلاسیک به دانشگاه های سوریه و جمهوری اسلامی ایران اعزام کردند. حافظ اسد رئیس جمهوری فقید سوریه در آن مرحله زمینه پذیرش تعدادی از دانشجویان لبنانی در دانشگاه های سوریه را فراهم کرد، اما بیشتر دانشجویان لبنانی علاقمند بودند در دانشگاه های ایران تحصیل نمایند. در طول ۲۰ سال گذشته یک نسل



فرانسوی سرنوشت کشور را هم چنان در دست داشتند و با هرگونه نهضت علمی و اجتماعی و فرهنگی میان طوایف غیر مسیحی مقابله می کردند.

پس از گذشت چند دهه از استقلال صوری لبنان، امام موسی صدر به این کشور آمد (فرانسه به رغم استقلال لبنان، تا زمانی طولانی همچنان سرنوشت کشورمان را در دست داشت) و شیعیان را به قیام همگانی و انقلاب بر ضد وضع موجود فرا خواند. امام صدر ضمن این که حرکت نوپایی را آغاز کرد، اما ارتباط خود را در آغاز راه با خان ها و فئودال ها حفظ کرد. او بر این باور بود که روابط با خانواده های الاسعد و عسیران و حماده باید هم چنان محفوظ بماند. با وجودی که امام صدر با فئودال ها اختلاف نظر داشت، اما هم زمان سعی می کرد آن ها را به پذیرش دیدگاه های خویش مبنی بر لزوم اجرای اصلاحات و دگرگونی وضع شیعیان متقاعد کند. ایشان از این ویژگی استثنایی برخوردار بود که با دشمنان طایفه شیعه نیز دیدار و گفت و گو می کرد. می کشید دشمنان را به تجدید نظر در دیدگاه شان متقاعد کند. او در آغاز حرکت توانست گروهی از جوانان متعدد و تحصیل کرده را جذب کند و آن ها را پیرامون محور این حرکت، بسیج نماید. ایشان با همکاری افرادی همچون شهید مصطفی چمران مراکز آموزشی حرفه ای جبل عامل را در برخی مناطق لبنان تأسیس کرد و یک نهضت فراگیر علمی به وجود آورد. باید متصفانه قضاوت کرد که تلاش های امام صدر در آن مرحله به رغم نبود امکانات، بسیار خوب و موفقیت آمیز بوده است. آیت الله شرف الدین پیش از امام موسی صدر دبیرستان جعفریه را در شهر صور تأسیس کرده بود، که ارزش آن در آن دوره ارزش یک دانشگاه را داشت. امام شرف الدین در شرایط سخت زندگی می کرد. برای تأسیس این دبیرستان به کشورهای آفریقایی سفر کرد و از بازرگانان لبنانی مقیم کشورهای آفریقایی کمک های مالی جمع آوری کرد. شهر صور در آن برهه پایتخت شیعیان لبنان نامیده می شد.

بدون شک می توانم تاکید کنم که نهضت عظیم علمی شیعیان لبنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد. البته نهضت آموزشی در دوران امام موسی صدر آغاز شده بود. اما این نهضت پس از پیروزی انقلاب پویا و گسترش یافت. متأسفانه شیعیان در آن مرحله بسیار رنج می بردند. برخی احزاب چپ گرا و سازمان های سیاسی در یک مقطع خاصی عهده دار آموزش جوانان شیعه شدند. به طور مثال حزب بعث سوسیالیست، جوانان شیعه لبنانی را به سوریه اعزام می کرد و آن ها را آموزش سیاسی و عقیدتی می داد و یعنی بار می آورد. حزب کمونیست لبنان نیز جوانان شیعه را به بلغارستان و برخی کشورهای بلوک شرق اعزام می کرد و عقاید کمونیستی را به خورد آن ها می داد. این افراد پس

**شیخ راغب سخنرانی ها و خطبه های نماز جمعه را در پرتو دیدگاه ها و موضع گیری های امام خمینی تنظیم می کرد. حرکت روشنگرانه و رهایی بخش خود را بر مبنای دیدگاه ها و راهکارهای شخصیت های بزرگ اسلام آغاز نمود. زود هنگام به شهادت رسید و با خون خود درخت مقاومت اسلامی در جنوب لبنان را بارور کرد**

متعهد از دانشجویان تحصیل کرده از دانشگاه های ایران فارغ التحصیل شدند.

اکنون طایفه شیعه از نظر علمی به هیچ وجه از کمبود امکانات آموزشی در مضیقه نیست. افراد با کفایت و با استعداد و متخصص در زمینه های گوناگون فراوانند. شاید در حال حاضر تعداد جوانان متخصص و با کفایت شیعه چند برابر طوایف گوناگون لبنان شده است. در این زمینه لازم می دانم خدا را سپاس گویم.

از نظر اقتصادی، اصولاً مردم لبنان به ویژه شیعیان به منظور بهبود اوضاع اقتصادی خویش بسیار مبارزه و تلاش کردند. اکنون در سایه وجود رهبران دلسوز و متعهد شیعه و در سایه وجود حزب الله، خواسته های

شیعیان به ویژه در زمینه های اقتصادی به طور نسبی بهبود یافته است. تاسیسات ساختاری و زیر بنایی در مناطق شیعه نشین همچون جاده های ارتباطی، دانشگاه های اسلامی احداث شده است. هزاران تن از جوانان تحصیل کرده شیعی به استخدام ادارات دولتی درآمده اند. فرزندان خان ها و فئودال های گذشته منزوی شده اند.

همزمان با حضور امام موسی صدر در لبنان روحانیون نامداری مانند مرحوم محمد جواد مغنیه، مرحوم



**اولین جرقه تأسیس حزب الله توسط برخی علما و روحانیون فعال لبنانی و پیرو خط امام خمینی (ره) زده شد. این افراد از امام خمینی از زمانی که در نجف اشرف در تبعید به سر می‌برد شناخت داشتند. پس از این که امام خمینی در پی فشارهای رژیم حزب بعث تصمیم گرفت از نجف اشرف خارج شود، لبنان یکی از کشورهای مطرح شده برای استقرار او بود. اما این تصمیم در آخرین لحظه تغییر کرد و امام کشور فرانسه را انتخاب کرد.**

معنی است که رژیم شما را به رسمیت شناخته‌ام. این مسایل امروز عادی به نظر می‌رسد. اما در آن مرحله که جنوب لبنان در اشغال صهیونیست‌ها قرار داشت هرگز عادی نبوده‌است. او یک رهبر بزرگ به تمام معنی نبود که این گونه با اسرائیلی‌ها برخورد کند، بلکه یک طلبه جوانی بود که چند سالی در حوزه علمیه نجف اشرف تحصیل کرده و به لبنان بازگشته و مبارزه را بر ضد اشغالگران صهیونیست آغاز کرده است.

**پشتوانه علمی شهید راضی‌حرب چه میزانی بود؟**



مستقر بودند، متدین و پایبند به اصول اسلامی نبودند. بسیاری از عناصر این جنبش‌ها از نظر تربیتی و اخلاقی روابط ناپسندی با اهالی منطقه داشتند. مردم را آزار می‌دادند، برخی شخصیت‌ها را که حاضر نبودند با آنان همکاری نمایند و یا به آنان بساج دهند ترور می‌کردند. رفتار این جنبش‌ها، مردم جنوب لبنان را به سستوه آورده بود. زمانی که فلسطینی‌ها در جنوب لبنان استقرار یافتند، مردم خانه‌های خود را در برابرشان باز کردند، آنان را با آغوش باز پذیرا شدند. اما بالعکس، برخی گروه‌های مسلح فلسطینی با مردم بدرفتاری کردند. گروه‌های فلسطینی در برخی مراحل در جنوب لبنان حکومت می‌کردند. زیرا اثری از دولت لبنان در جنوب وجود نداشت. برخی فلسطینی‌ها متأسفانه به ناموس مردم جنوب نیز تجاوز کردند. مردم جنوب به ویژه اهالی منطقه جبل عامل ناموس خود را عزیز می‌دانند، این رفتارهای ناپسند، اعتراضات همگانی مردم را برانگیخت. در آن مرحله نظامیان رژیم صهیونیستی پس از حمله به لبنان شعار دروغین رهایی مردم جنوب از شر گروه‌های فلسطینی را سر دادند. برخی افراد ساده لوح فریب این شعار دروغین را خوردند. اکثریت مردم آگاه جنوب اهداف پلید و شعارهای دروغین صهیونیست‌ها را شناخته بودند، و با این شعارها به مقابله برخاستند. در آن مرحله صهیونیست‌ها همچنین شایع کردند. که قصد دارند امام موسی صدر را به لبنان بازگردانند. این شعار صد در صد ساختگی بود. اما به هر حال برخی افراد تحت تأثیر این شعارها قرار گرفتند. این شعارها و این فضای دروغین مانند ابرهای تابستانی بودند که به زودی از بین رفتند. و مردم بر اثر تبلیغات ضد صهیونیستی خطبا و روحانیون متعهد از اهداف پلید صهیونیست‌ها آگاه شده و مبارزه را آغاز کردند.

من بدون تعارف می‌گویم که امتیاز شیخ راضی‌حرب به میزان سطح علمی او نبوده است. چرا که او پس از گذراندن حدود دو سال تحصیل در نجف اشرف از عراق اخراج شد و چند ماهی از بازگشت او به لبنان نگذشته بود که اسرائیل سرزمین جنوب را اشغال کرد. مهمترین امتیاز شیخ راضی‌حرب، نفس بزرگ و روحیه عالی او بود. سخنان و دیدگاه‌های شخصیت‌های بزرگ هم‌چون شهید آیت الله سید باقر صدر و امام خمینی بر او اثر گذاشته بود. او سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه را در پرتو دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های امام خمینی تنظیم می‌کرد. او حرکت روشنگرانه و رهایی‌بخش خود را بر مبنای دیدگاه‌ها و راهکارهای شخصیت بزرگ اسلام آغاز نمود. زود هنگام به شهادت رسید و با خون خود درخت مقاومت اسلامی در جنوب لبنان را بارور کرد. دور از انصاف است که به این نکته اشاره نکنیم که او با ایثار و فداکاری و نثار خون سرخ خود به شیعیان جنوب لبنان انگیزه قوی داد تا مقاومت همگانی را بر ضد اشغالگران آغاز نمایند. پایگاه مردمی شیخ راضی‌حرب در مراسم تشییع جنازه او به روشنی تجلی یافت. در شرایطی که اسرائیلی‌ها سرزمین جنوب لبنان را در اشغال داشتند و با آتش گلوله مردم را سرکوب می‌کردند، شیخ راضی‌حرب با نثار خون خود دیوار ترس و وحشت را فرو ریخت و جوانان لبنانی از سرتاسر جنوب در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند.

با وجودی که در آن روزگار مردم جنوب از نماز جمعه شناخت نداشتند. شهید شیخ راضی‌حرب اولین کسی بود که مراسم نماز جمعه در جنوب لبنان برپا کرد. برایی نماز جمعه در جنوب لبنان در سایه حضور اشغالگران صهیونیست توسط یک طلبه جوان کار خارق العاده بود.

**صاحب نظران معتقدند مردم جنوب لبنان از رفتار برخی گروه‌های فلسطینی به سستوه آمده بودند و پس از حمله اسرائیل، به نوعی احساس آرامش کردند، ولی دیری نپایید که شهید شیخ راضی‌حرب در مدت کوتاهی توانست این فضا را دگرگون کند. در این باره چه دیدگاهی دارید؟**

متأسفانه اغلب جنبش‌های فلسطینی که در جنوب لبنان جمع‌برپا نشده بود؟

**شیخ راضی‌حرب چه جایگاهی در حزب الله داشت؟**

اولین جرقه تأسیس حزب الله توسط برخی علما و روحانیون فعال لبنانی و پیرو خط امام خمینی (ره) زده شد. این افراد از امام خمینی از زمانی که در نجف اشرف در تبعید به سر می‌برد شناخت داشتند. پس از این که امام خمینی در پی فشارهای رژیم حزب بعث تصمیم گرفت از نجف اشرف خارج شود، لبنان یکی از کشورهای مطرح شده برای استقرار او بود. اما این تصمیم در آخرین لحظه تغییر کرد و امام کشور فرانسه را انتخاب کرد. در آغاز حمله اسرائیل به لبنان، گروهی از روحانیون متعهد لبنانی از جمله شیخ راضی‌حرب، سید عباس موسوی و شیخ عبد المنعم مهنا به تهران آمدند، و از رهبری جمهوری اسلامی ایران تقاضا کردند برای آموزش جوانان لبنانی به آنان کمک شود. مسئولان جمهوری اسلامی به تقاضای علمای لبنانی پاسخ مثبت داده و طرح اعزام واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به لبنان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. و از آن روز اندیشه تأسیس حزب الله مطرح گردید. ■



همین‌طور است. ایشان اولین کسی بود که در عصر حاضر نماز جمعه در جنوب لبنان برپا داشت. او با مردم ارتباط برقرار کرد، با برخی علمای دین تماس گرفت. با مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین نایب رئیس وقت مجلس اعلیٰ شیعیان لبنان ارتباط برقرار کرد. اما شمس الدین توانست آرزوهای شیخ راضی‌حرب را برآورده کند. شمس الدین مردم را به قیام همگانی غیر مسلحانه بر ضد اشغالگران فرا می‌خواند. در حالی که شیخ راضی‌حرب به مقاومت مسلحانه ضد صهیونیستی اعتقاد داشت. هنگامی که فرمانده نظامیان صهیونیست مستقر در جنوب لبنان به دیدار شهید شیخ راضی‌حرب آمد و ابراز علاقه کرد به او دست بدهد، راضی‌حرب این تقاضا را به شدت رد کرد و به فرمانده اسرائیلی‌ها گفت اگر به شما دست دهم به این